

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های اثرگذار بر تواناییهای استخراجی نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران

محسن عبداللهی*

چکیده

تواناییهای استخراجی (تجهیزی) دسته‌ای از تواناییها هستند که بر اساس نگرش نظام‌مند برای نظامهای اجتماعی، سیاسی و نهضتها تعریف می‌شوند. بر این اساس، نظام یا نهضتی کار آمد است که بتواند از امکانات و منابع مادی و غیرمادی موجود در جامعه برای تحقق آرمان‌هایش - با توجه به اولویتهای مورد نظر - به گونه مطلوب استفاده کند. چنین تواناییهایی، از نظر منطقی، در بخش ورودی نظام یا نقطه شکل‌گیری نهضت تا تحقق انقلاب و مراحل اولیه استقرار قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که شیوه تحقق آنها تعیین‌کننده نوع نظام یا انقلاب از نظر دموکراتیک و غیردموکراتیک بودن است.

دغدغه اصلی این مقاله بررسی مقایسه‌ای تواناییهای مورد اشاره برای نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی است. برای انجام این بررسی، چنین تواناییهایی به شش مؤلفه اصلی در قالب توانایی ایدئولوژیک، رهبری، بسیج کردن، نهادسازی (استقراری)، تشکیلاتی و هماهنگی (تداوم ارزشها) تجزیه شده است و فرضیه اصلی، رسیدن به این مطلب است که «انقلاب اسلامی ایران در این زمینه‌ها نسبت به نهضت مشروطیت موفق‌تر بوده است و در نتیجه تواناییهای

استخراجی بالاتری دارد.» مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد یکی از دلایل عدم موفقیت کافی برای نهضت مشروطیت، نداشتن توانایی‌های استخراجی کافی بود؛ اما انقلاب اسلامی از نقطه شکل‌گیری تا مرحله پیروزی با توجه به چنین تجربه تاریخی به درجه بالایی از توانایی‌های استخراجی رسید.»

کلید واژه: انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی، رهبری، توانایی‌ها.

مقدمه

یکی از توانایی‌هایی که در چهارچوب نگرش نظام‌مند برای نظام‌های سیاسی مطرح است و در مباحث توسعه سیاسی جایگاه مهمی دارد، توانایی استخراجی (تجهیزی) نام دارد. بر این مبنا شایسته است نظام سیاسی یا نهضت کارآمد توانایی بهره‌برداری از امکانات مادی و غیرمادی موجود در جامعه را برای نیل به اهداف و آرمانهای خود - با توجه به اولویتهای مورد نظر - داشته باشد. این امر مستلزم ایجاد نهادها و تأسیساتی است که عمده‌ترین آنها نهادهای نظامی، مالیاتی و مشارکتی‌اند. به لحاظ اصولی، توانایی مورد بحث، در بخش ورودی (نهادها) قرار دارد. علاوه بر این نظام‌های سیاسی بر اساس کیفیت و چگونگی استخراج (تجهیز) از دو شیوه دموکراتیک می‌توانند و غیردموکراتیک برخوردار باشند و این امر تعیین کننده نوع آن نظامها و حکومت‌های مربوطه خواهد بود. دغدغه اصلی نگارنده مقایسه توانایی‌های مذکور درباره نهضت مشروطیت و نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی؛ است و فرض اصلی، رسیدن به این مسئله است که چرا انقلاب اسلامی، در مقایسه با نهضت مشروطیت، که به گمان اغلب صاحب نظران مسایل ایران از توانایی‌های استخراجی مطلوب برخوردار نبوده است، میزان زیادی از توانایی‌های استخراجی را دارا می‌باشد؟

برای بررسی این موضوع توانایی مورد بحث، به مؤلفه‌هایی در قالب توانایی ایدئولوژیک، رهبری، بسیج کردن، تشکیلاتی، نهاد سازی (استقراری) و هماهنگی تجزیه می‌شود. به

علاوه می‌توان گفت مفهوم تواناییهای تجهیززی به‌طور عمده مبتنی بر بهره‌برداری از امکانات مادی موجود در جامعه و تجهیز منابع محسوس است؛ اما جنبه‌های غیر محسوس و غیر مادی که قابلیت تجهیز داشته و در میزان کارآمدی و موفقیت نظامها و به‌طور کلی فرایندهای سیاسی - اجتماعی، نظیر نهضتها و انقلابها مؤثری باشند، مورد اغماض قرار گرفته‌اند. یکی از نویسندگان در این باره می‌گوید:

فلاسفة تاریخ و جامعه‌شناسان سیاسی و دیگران تاکنون کمتر به شرایط و زمینه انقلاب‌های توحیدی پرداخته‌اند. موضوع مورد بحث آنان غالباً شرایط و اوضاع و احوالی است که در آن انقلاب‌های سیاسی یا سیاسی - اجتماعی غیرالهی و غیرتوحیدی رخ می‌دهند. شرایط مستعد برای وقوع انقلاب‌های مورد نظر آنان همواره شرایط مادی و عبارت است از کثرت عددی نیروی انقلاب‌کننده و مخالف، امکانات مالی و تجهیزاتی و موفقیت‌های حساس و نقش‌های تولیدی یا خدمتاتی حیاتی، همراه با ناتوانی‌های مالی و مادی و نظامی و سیاسی و حاکمیت و شرایط بین‌المللی مساعد.^۱

در حالی که مفروض این است که انقلاب ایران علاوه بر تواناییهای استخراجی در بهره‌برداری از منابع و امکانات مادی و محسوس جامعه، قدرت تجهیز استعدادهای غیرمادی و نامحسوس را داشته است و به همین علت در زمره حرکت‌های توحیدی موفق قرار می‌گیرد. بدیهی است در بحث پیرامون تواناییهای استخراجی انقلاب ایران تأکید بر عواملی چون ایدئولوژی، رهبری، بسیج اجتماعی، سازمان دهی، استقرار و تداوم ارزشها با توجه به عوامل غیرمادی و نامحسوس به ویژه عوامل معنوی و مذهبی ضرورت می‌یابد. بررسیهای تاریخی نشان می‌دهد این شاخص از زمان شکل‌گیری نهضتهای سیاسی - اجتماعی در تاریخ معاصر ایران تا وقوع انقلاب اسلامی، به تدریج سیر رو به افزایش داشته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر حرکت‌های تاریخ معاصر - از جمله نهضت مشروطیت - تواناییهای استخراجی بیشتری داشته است. برای بررسی این موضوع مؤلفه‌های شش‌گانه مؤثر بر تواناییهای استخراجی برای دو حرکت مورد بحث، به شکل تاریخی - تطبیقی ارزیابی

خواهند شد.

الف) توانایی ایدئولوژیک

یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر تواناییهای استخراجی در قالب توانایی ایدئولوژیک قابل بررسی است و عبارت می‌باشد از توانایی بهره‌برداری از امکانات و منابع فکری موجود در جامعه و هدایت آنها در راستای ایجاد یک مکتب فکری که در زیرمجموعه آن ایدئولوژی اثربخش مشخصه مهمی برای تواناییهای استخراجی شمرده می‌شود.

مکتب فکری و ایدئولوژی انقلاب یعنی برنامه‌ای فردی برای تحول در وضع موجود، مکتب فکری و انقلاب باید در برگزیده طرد و نفی نظام و ارزش‌های موجود باشد که این به علاوه شرایط لازم انقلاب است اما کافی نیست و مکتب فکری انقلاب باید چهارچوبی مطلوب برای تعویض پایه‌های ارزش جامعه آینده داشته باشد و ضمن ترسیم آینده مطلوب در پیش روی انقلابیون، جانشینی برای نظام موجود ارایه می‌دهد. علاوه بر این باید به شیوه عملی رسیدن به جامعه کمال مطلوب را هم نشان بدهد.^۱

سپس می‌توان گفت توانایی ایدئولوژیک در حقیقت نشان دهنده علل ذهنی و شرایط فکری نهضتها، انقلابها و سپس نظامهای مربوطه است و ترجمان هدفدار بودن آنها می‌باشد. به گفته یکی از نویسندگان خلوص ایدئولوژیک و داشتن مبانی فرهنگی و تاریخی در جامعه، موجب می‌شود مکتب فکری انقلاب و نظام ایده‌آل مقبولیت مردمی و پایگاه اجتماعی پیدا کند.^۲ چنان که در بیان مسئله گفته شد، نهضت مشروطیت ایران در عرصه تواناییهای استخراجی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن، قابلیت‌های مناسبی نداشت. درباره تواناییهای ایدئولوژیک آن نیز، مشاهدات تاریخی مؤید همین مسئله است. «در مورد مفهوم دقیق مشروطه‌خواهی باید گفت که این مفهوم برای اولین بار در ایران به وسیله روشن‌فکران غیرمذهبی که تجربه

۱. محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۰۹.

۲. شفیعی فر، محمد، تحولات فکری ایران و اندیشه‌های انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات سمینار درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۲۳۰.

مستقیم یا غیرمستقیمی از اروپا داشتند، ترویج شد.»^(۳)

خانم نیکی، آ.ر. کدی معتقد است مشروطه و صورت ظاهری آن بیشتر منعکس کننده افکار روشن فکر بی دین غرب گرایانی که از نظر مالی به خصوص توسط تجار حمایت می شدند، بود تا علمای مذهبی؛ گرچه در آن برای حفظ قدرت علما تبصره‌هایی برآورده شده بود.^۱

البته این نکته قابل چشم پوشی نیست که در نهضت مشروطیت علاوه بر جریانهای غرب گرا و نفوذ عناصر وابسته، جریانهای منطبق بر اصول و موازین اسلامی نیز وجود داشت؛ اما نکته مهم این است که برآیند آنها گویای نبود توانایی ایدئولوژیک مناسب برای نهضت بود.

با نفوذ جریان‌های غرب گرا و نیز نفوذ بعضی عناصر وابسته به دربار و بیگانه در مجلس دو دیدگاه متفاوت برای تدوین قانون اساسی وجود داشت، یکی دیدگاهی که اکثر روحانیون در رأس آن قرار داشتند و سعی می کردند تا قانون اساسی بر اساس موازین اسلامی تدوین شود و دیگر دیدگاهی که تمایل به غرب و تجدید مآبی داشت و می کوشید تا در تدوین قانون اساسی از اندیشه‌ها و الگوهای غربی استفاده شود. نفوذ روشن فکران غرب گرا و اهمال رهبران روحانی و شاید اعتماد آنان به این عناصر باعث شد که در تنظیم متمم قانون اساسی گرایش‌های غرب گرایانه و محافظه کارانه بیشتر شود.^۲

در نتیجه روشن است که مشروطه خواهان در ترسیم و ارائه یک ایدئولوژی اصیل و پایدار بر اساس ارزشهای اسلامی ناتوان بودند و به سادگی تحت تأثیر جریانهای فکری بیگانه قرار می گرفتند. این ناتوانی تأثیر خود را در مراحل بعدی حرکت بر جای نهاد و سرانجام به عدم موفقیت کافی منتهی شد. مرحوم شیخ فضل الله نوری در این باره فرموده بود:

انقلاب مشروطه از مواضع خود منحرف شده و عناصر مخالف اسلام در زیر لباس مشروطه خواهی قصد دارند تا اندیشه‌های غربی را جایگزین ارزش‌های اسلامی کنند. بنابراین باید با قبول پیشنهادات وی به اسلامی کردن مشروطه پردازند.^۳

۱. آ.ر. کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، عبدالرحیم گواهی، ص ۲۹۱.

۲. مجموعه نویسندگان، دانش سیاسی و اجتماعی، ص ۷۵-۷۹.

۳. همان، ص ۹۵ و ۹۶.

برخلاف وضعیت نهضت مشروطیت، نهضت اسلامی ایران توانایی ایدئولوژیک مناسبی دارد که بخش عمده آن مرهون تلاشهای اثربخش حضرت امام خمینی علیه السلام و سایر رهبران نهضت و نظام اسلامی است و از نگاه برخی نویسندگان، نقطه برجسته انقلاب ایران است: به نظر ما وجه تمایز اصلی انقلاب اسلامی از مشروطیت و سایر جنبش‌های سیاسی معاصر ایران در همین نکته نهفته است. به عبارت دیگر این جریان فکری در مقابل اندیشه‌ها و جریان‌های دیگر که یا در اصول و مبادی نظری و یا در فروع و نتایج دچار نقصان و کاستی بودند، نظریه جدید و جامعی ارائه داد که مبادی فلسفی و نظری جامعه را در نتایج و مسایل سیاسی - اجتماعی بازتاب می‌داد. این نظریه جامع، مبانی فرهنگی - تاریخی و سنتی - مذهبی جامعه را با مستلزمات عصر جدید پیوند می‌داد و در حد خود طرح نویی بود.^۱

انقلاب اسلامی نشان داد که روحانیت شیعه در این مقطع از تاریخ مبارزات خود با برخوردارگی از پشتوانه فکری و معنوی و جمع بندی صحیح از شرایط سیاسی - اجتماعی داخلی و خارجی بر اجرای احکام اسلامی و تثبیت حاکمیت اسلامی تکیه دارد. مانند یک حزب سیاسی عمل می‌کند و می‌تواند قدرت سیاسی را با استقلال تام و بدون واسطه در دست گیرد و یک ایدئولوژی کاملاً ناب بر اساس متن شریعت اسلامی به مخاطبان و هواداران خود تقدیم نماید. به دیگر سخن در جریان انقلاب اسلامی هر گونه همکاری و همیاری با جریانهای ملی و روشن فکری غرب و شرق که حوصله پذیرش اسلام را نداشتند، از دستور کار خارج شد و با گسترش اندیشه «حکومت اسلامی در قالب یک ایدئولوژی مستحکم و نفوذناپذیر» پیروزی قطعی حاصل شد. بالطبع چنین نگرشی در ذهن حضرت امام خمینی علیه السلام و رهبران انقلاب امری ضروری تلقی می‌شد که سال قبل از شکل‌گیری و پیروزی نهضت اسلامی به عنوان جایگزین مناسب برای نظام پهلوی مطرح شده بود. امام علیه السلام در مقدمه کتاب حکومت اسلامی فرموده بود حکومت اسلامی از مفاهیمی است که تصور آنها موجب تصدیقشان می‌گردد، یعنی این که از بدیهی‌ترین چیزها تلقی می‌شود و در فلسفه وجودی آن جای هیچ‌گونه تردید و یا ابهامی نیست. این مسئله به تدریج پایه اصلی پیروزی و استقرار

نهضت شد و در حقیقت خلاء ایدئولوژیک مشروطیت را برطرف ساخت.

ب) توانایی رهبری

افلاطون در کتاب «جمهور» می‌گوید علت اصلی تغییر حکومتها ایجاد شکاف و جدایی میان اعضای هیات حاکمه و گروه رهبران جامعه است. وی در تدوین نظام تعلیم و تربیت خود، تأکید عمده‌ای بر ویژگیها و خصوصیات زعیم حکیم دارد و قوام مدینه فاضله را به شخص رهبر می‌داند و می‌نویسد:

این حقیقتی است مسلم که اساس هیچ حکومتی تغییرپذیر نیست مگر آن که میان اعضای طبقه حاکم جدایی افتد. زیرا مادام که آنها متحد بمانند، هر قدر هم عده آنها کم باشد، اساس آن حکومت رانمی‌توان متزلزل ساخت.^۱

جامعه‌شناسان سیاسی درباره «نقش رهبران و نخبگان در امور سیاسی» دیدگاههای بسیاری ارائه کرده‌اند، به عنوان مثال می‌توان به «تئوری دموکراسی انجمن» اشاره نمود. هانس دارلر در این تئوری بر عواملی، چون؛ کوشش آگاهانه و پیگیرانه رهبران و نخبگان جامعه برای یافتن راه حل با ثبات از طریق مقابله با عوامل فرهنگی تفرقه ساز، کوشش نخبگان در از بین بردن سیاستهای رقابت‌آمیز و ایجاد کارتلی از رهبران گروهها و فرقه‌های مختلف، تأکید می‌ورزد.^۲ ماکس وبر در این راستا به رهبری سنتی، قانونی و کاریزمایی اشاره می‌کند. یکی از نویسندگان در نقد دیدگاه وبر می‌نویسد:

ماکس وبر فکر می‌کرد رهبری فرهمندانه [کاریزمایی] مبتنی بر کشش‌های عاطفی و احساسی است و این کشش‌ها که هویتی دون عقلی دارد، متکی به رابطه شخصی مردم و یا سپاه برای فرد خاصی است که از قدرت کاریزماتیک برخوردار است و به همین دلیل برای او فرقی بین رهبری انبیاء و رهبری افرادی نظیر چنگیز یا هیتلر نیست. حال آن‌که در دفاع مقدس و جهاد که قداستی الهی دارد، رهبری فرهمندانه بر بنیان معرفتی حسی و عاطفی شکل نمی‌گیرد،

۱. افلاطون، جمهور، فواد روحانی، ص ۴۵۵.

۲. سیف زاده، سیدحسین، نوسازی و دگرگونی سیاسی، ص ۱۹۵.

بلکه از هستی‌شناسی و معرفتی بهره می‌برد که عقلانیت را در دامنه ادراک و فهم خود هضم می‌کند... و بر نهادی پایدار که عبارت از نهاد اجتماعی ولایت است، شکل می‌گیرد.^۱

بنابراین در نقش رهبران و نخبگان در فرایندهای سیاسی - اجتماعی جای تردیدی نیست و به جرأت می‌توان گفت حرکت‌هایی موفق بوده‌اند که در سایه رهبری موثر شکل گرفته‌اند. در این نوشتار توانایی رهبری (زیرمجموعه تواناییهای استخراجی) به معنی قدرت رهبری در بهره برداری از شرایط معنوی و فکری جامعه، ارائه خطوط کلی، سیاست‌گذاریها، مدیریت زمان، مکان و هدایت کلیه منابع موجود در جامعه به سوی آرمانها و اهداف نهایی است و مفروض این است که نهضت مشروطیت در مقایسه با انقلاب اسلامی که به نظر اغلب صاحب نظران از تواناییهای استخراجی کمتری برخوردار بود، در زمینه توانایی رهبری نیز ضعیف عمل کرد. توانایی رهبری از مؤلفه‌های موثر بر تواناییهای استخراجی است. حسین بشیریه در این باره می‌نویسد:

پس از انقلاب مشروطه قدرت سیاسی علما در دستگاه حکومت تا اندازه‌ای جنبه رسمی یافت و بر طبق قانون اساسی مقرر شد هیات پنج نفره‌ای از علما مسئولیت تطبیق قانون‌های مجلس مجلس با موازین شرع را عهده دار شوند. با این همه پس از پیروزی اولیه جنبش مشروطه در خصوص ماهیت و جهت و مقصد اصلی انقلاب در بین روحانیون تردیدهایی پدیدار شد.^۲

شکاف در رهبری مشروطیت به حدی بود که حتی مدافعان آن اختلاف نظرهای آشکاری و نقاط مشترک اندکی با هم داشتند، به عنوان نمونه درباره خانم نیکی، آرکدی تفاوت‌های فکری علمای آن دوره می‌نویسد:

دو روحانی عمده‌ای که در داخل ایران از طرفداران انقلاب مشروطه بودند و بایکدیگر تفاوت آشکاری داشتند، یکی سید محمد طباطبایی بود که به نظر می‌رسد عمدتاً دارای تمایلات آزادی خواهانه بود و با آزادی خواهان نیز تماس فراوان داشت. او معتقد بود که

۱. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۲۳۳.

۲. همان، ص ۲۴۴.

مشروطه و قانون اساسی بهترین راه محدود نمودن قدرت پادشاهان مستبد و بدون کنترل که ایران را به قدرت‌های غربی می‌فروختند می‌باشد، نفر دوم که قدرت و دسیسه بیشتری داشت، سید عبدالله بهبهانی، دارای سابقه طولانی در فعالیت به نفع انگلیسی‌ها بود. وی تقریباً تنها کسی بود که در جنبش تحریم تنباکو علیه انگلیسی‌ها شرکت نکرد و آن را رد کرد و از انگلیسی‌ها برای ترتیب دادن تظاهرات ضد روسی هدایای شخصی و پول دریافت می‌کرد. سومین نفر از علمای عمده تهران، شیخ فضل‌الله نوری رحمته‌الله علیه، هنگامی که دید مشروطه در صدد احیای شریعت نبوده و برعکس می‌خواهد بسیاری از نهادها و قوانین سبک غربی را حاکم نماید علیه آن موضع‌گیری نمود.^۱

در نتیجه واضح است که این نهضت توانایی رهبری مؤثر نداشت و همین امر از دلایل ناکامی آن در عرصه تواناییهای استخراجی است. مرحوم علی اصغر شمیم می‌نویسد:

نتیجه این گونه تفکر و بروز پاره‌ای اختلافات میان سران انقلاب، بر سر مسایل سیاسی و سپس اثر رویه و روشی که احزاب مختلف در سیاست خود پیش گرفتند، این شد که سرنوشت حکومت مشروطه نیز به دست کسانی افتاد که منافع و مصالح خود را در رژیم استبدادی جستجو می‌کردند. یعنی همان طبقه حاکمه سابق با تغییر قیافه در دوران بعد از مشروطه نیز زمام قدرت را در دست گرفتند.^۲

نظر نویسنندگان درباره انقلاب اسلامی این است که برخلاف نهضت مشروطیت، برخوردار از استحکام ایدئولوژیک به تقویت توانایی رهبری منجر شده و در نهایت به افزایش تواناییهای استخراجی انجامیده است. بخش زیادی از این مسئله به شخصیت و نقش منحصر به فرد و برجسته حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه بستگی دارد. این مطلب را از زبان اغلب صاحب نظران ایرانی و غیرایرانی می‌توان شنید، از جمله:

شگرف‌ترین بعد انقلاب ایران را در وجود امام خمینی رحمته‌الله علیه باید جست، چون اوست که توانست پادشاه ایران را پس از دو هزار و پانصد سال سلطنت از تخت به زیر آورد. اگر امام خمینی رحمته‌الله علیه دولت مردی توانا و سیاست پیشه‌ای چیره‌دست و سرداری قوی‌پنجه و یا

۱. آر. کدی، نیکی، پیشین، ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲. شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۵۳۱.

انقلابی‌ای آتشین و حرفه‌ای بود جای شگفتی نیست. شگفتی در آن است که یک روحانی خرد جنة فrotوت عبا بر دوش و نعلین بر پا پانزده سال تمام از تبعیدگاه خود با حریت کلام با مقتدرترین حکومت استبدادی بخشی بزرگ از جهان درافتاد و آن قدر آن دم‌گرم ازدل برآمده را در قلب‌های سرد و نومید دمید تا یک حکومت طاغوتی تمام عیار را سرنگون ساخت، بی‌آنکه خود حضور داشته باشد.^۱

به علاوه نقش او تنها الهام بخشی اخلاقی و رهبری نمادین نبود؛ بلکه رهبری عملی انقلاب را نیز در دست داشت. امام خمینی علیه السلام در شرایطی که نارضایتی فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی تشدید شده بود، توانست مضمون‌هایی از قبیل شهادت، نارضایتی و آرزوی یک حکومت عادلانه را در چهارچوبی نیرومند و جامع هماهنگ کند.^۲ به گفته شهید مطهری علیه السلام رمز موفقیت رهبر در این بود که مبارزه را در قالب مفاهیم اسلامی به پیش برد. ایشان با ظلم مبارزه کرد؛ ولی مبارزه با ظلم را با معیارهای اسلامی مطرح کرد؛ مبارزه‌ای تحت لوای اسلام و با معیارها و موازین اسلامی.^۳

با توجه به این توانمندی‌های چشمگیر در عرصه‌های رهبری، می‌توان انقلاب اسلامی را در زمره حرکت‌های موفق تاریخ معاصر ایران قرار داد.

ج) توانایی بسیج کردن

یکی دیگر از توانایی‌هایی که هر نظام سیاسی کارآمد یا نهضت سیاسی - اجتماعی موفق در قالب توانایی‌های استخراجی (تجهیزی) می‌تواند داشته باشد، توانایی بسیج کردن نام دارد. این توان گویای میزان کارآمدی و توانایی لازم برای آماده ساختن مردم جهت پذیرش الگوهای جدید فکری و عملی است. بسیج سیاسی - اجتماعی از پدیده‌هایی است که - براساس نگرش نظام‌مند در متون علوم سیاسی - به عنوان یک شاخص برای ارزیابی نظامها و نهضت‌های

۱. پرهام، سیروس، انقلاب اسلامی و مبانی رهبری امام خمینی علیه السلام، ص ۱۵.

۲. مخبر، عباس، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۳. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۰ و ۴۱.

موفق قابل بررسی است و در نوشته‌های کارل دویچ، الکس اینکلز، دیوید اسمیت، دانیل لرنر و چارلز تیلی مطرح شده است، برای نمونه می‌توان به دیدگاه کارل دویچ اشاره کرد:

بسیج اجتماعی به نحوی که توسط کارل دویچ به کار گرفته شد عبارت از روندی بود که در آن مجموعه‌های عمده تعهدات اجتماعی، اقتصادی، روانی کهنه ریشه کن شده یا درهم شکسته شده باشد و مردم آمادگی پذیرفتن الگوهای جدید رفتاری و اجتماع‌گرایی را پیدا نمایند. بنابراین بسیج اجتماعی در برگزیده تعداد انبوهی از انسان‌های عضو یک جامعه سنتی است که به سوی مدرن و نوگرا شدن تحول یافته‌اند. پس این تحول در دو سطح اتفاق می‌افتد: ۱. شکستن و زیور نمودن عادات، عرف‌ها، ارزش‌ها و به‌طور کلی الگوی رفاداری‌های گذشته، ۲. هدایت انسان‌های بسیج شده به سوی عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های جدید و رهایی آنان از گروه‌ها و تعهدات سابق.^۱

چارلز تیلی نیز سعی دارد در مطالعه پدیده بسیج اجتماعی - سیاسی، تلفیقی میان آرایی کارل مارکس، ماکس وبر و جان استوارت میل ارائه کند. مدل مورد تاکید وی بسیج است که مشخصه‌های اصلی آن را سازمان و منافع گروهی می‌داند.

به نظر می‌رسد بحث بسیج سیاسی را - طبق این دیدگاه - بتوان در بُعد وسیع‌تری مطرح و آن را حاوی چهار رکن (ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و توده مردم) دانست. که در حقیقت چهار ویژگی انقلاب نیز می‌توانند به حساب آیند.^۲

مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی در زمینه مسایل ایران نشان می‌دهد که میزان بسیج سیاسی و اجتماعی (حضور گسترده عموم مردم) در انقلاب سال ۱۳۵۷ به دلیل وجود ایدئولوژی و رهبری اثربخش بسیار مشهودتر از نهضت مشروطیت است و کلیه طبقات ایران در عمل علاقمندی خود را برای پایان یافتن نظام سلطنتی و سلطه بیگانگان بر کشور بر اساس معیارها و موازین برگرفته شده از اصول متقن اسلام و مذهب تشیع نشان دادند. شهید

۱. یوسف زاده، سیدحسین، پیشین، ص ۱۱۰.

۲. جهت مطالعه بیشتر ر. کک: احمدوند، شجاع، فرابند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات سمینار

درس انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۵۸-۶۰.

مرتضی مطهری رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

نهضت کنونی ایران به صنف و طبقه خاصی از مردم اختصاص ندارد، نه کارگری است، نه کشاورزی، نه دانشجویی، نه فرهنگی، و نه بورژوازی. در این نهضت غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی، طلبه و دانشجو، پبلور و صنعت‌گر، کاسب و کشاورز، روحانی و آموزگار، باسواد و بی‌سواد یکسان شرکت دارند. یک اعلامیه که از طرف مراجع بزرگ عالی‌قدری که نهضت را رهبری می‌کنند صادر می‌شود، در سراسر کشور و در میان عموم طبقات طنین یکسان می‌فکند، طینش در شهر همان قدر است که در روستا، در اقصی نقاط خراسان و آذربایجان همان آهنگ را دارد که در جو دانشجویان ایرانی دورترین شهرهای اروپا با آمریکا!^۱

این در شرایطی است که به گمان اغلب پژوهشگران و نویسندگان اکثریت جامعه ایران در زمان نهضت مشروطیت روستانشین بودند مشارکت گسترده‌ای در آن نداشتند و به طور اصطلاحی گفته می‌شود که نهضت مشروطیت یک نهضت شهری بود. این نکته ریشه در بسیج اجتماعی و سیاسی ناکافی دارد. بر همین اساس عده‌ای آن را نهضتی ملی تلقی می‌کنند که تنها گروه اندکی از روشن‌فکران جدید و بازرگانان نوگرا در آن شرکت داشتند:

طبقه مؤلف ثروت کشور، یعنی دهقانان ایران که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند، گرچه در مسیر انقلاب قراز داشتند؛ لیکن نه مفهوم مشروطه را درک کردند و نه عملاً در پیروزی انقلاب شرکت داشتند. هنوز برای دهقانان ایران، ارباب مظهر قدرت و فرمان‌روایی و دهقان محکوم ارباب و در سرینجه قدرت او بود. نه دولت می‌شناخت و نه قانون.^۲

به‌طور خلاصه می‌توان گفت به دلایل متعددی از جمله خلأ ایدئولوژیک، ضعف رهبری، نفوذ بیگانگان، ناکارآمدی نخبگان سیاسی و شرایط نابسامان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نهضت مشروطه توانایی مناسبی برای بسیج‌کردن نداست و به همین دلیل یک الگوی ناکارآمد برای بسیج سیاسی - اجتماعی تلقی می‌شود.

۱. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۶۳.

۲. شمیم، علی‌اصغر، پیشین، ص ۵۳۲.

د) توانایی نهادسازی (استقراری)

ساموند هانتینگتون معتقد است: یک نظام سیاسی هنگامی کارآمد و معتبر است که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد، یعنی سازمانها و آیینهای زیربنایی آن متعدد و به اندازه کافی ثابت و از نظر مردم ارزشمند باشد. چنین نهادهایی برای حفظ جامعه و جلوگیری از هم پاشیدگی و سامان دادن به نزاعهای متفاوت ضرورت دارند. علاوه بر آن برای یک سیاست منسجم و مطابق با منافع عمومی نیز ضروری هستند. نهادهای یک نظام مستلزم رسیدن به سطح عالی تطبیق، پیچیدگی، استقلال و پیوستگی از طریق سازمانها و آیینهای تشکیل دهنده آن نظام است. نهادهای دموکراتیک تنها زمانی پای به عرصه وجود می‌گذارند که نخبگان سیاسی پس از محاسبه منافع خود، تصمیم به مذاکره و سازش با یکدیگر می‌گیرند.^۱

بر این پایه می‌توان گفت توانایی نهادسازی یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر بر تواناییهای استخراجی است و در نگرش نظام‌مند در مرحله ورودی (نهاده‌ها) قابل بررسی است و چنان که مفروض است نهضت مشروطیت در این زمینه - نسبت به نهضت اسلامی ایران - ضعیف عمل کرد و از توانایی نهادسازی و استقراری متناسب با جامعه آن روز ایران برخوردار نبود.

با تصویب قانون اساسی مشروطیت شکل جدیدی از نظام سیاسی در کشور مستقر شد که ویژگی عمده آن تقسیم مسئولیت‌ها و اختیارات حکومتی بود. هرچند مشروطیت نتوانست در پویش تاریخی نظم سستی را به طور کامل از بین ببرد و دولت را به مفهوم مدرن و امروزی آن ایجاد کند، اما وقوع آن مردم را با واژگانی چون قانون و آزادی‌های مدنی و سیاسی آشنا کرد.^۲

حامد الگار می‌نویسد:

بسیاری از رجال و علما و مردم مشروطیت را مؤسسه‌ای تلقی می‌کردند به شیوه انجمنی و

۱. جهت مطالعه بیشتر ر. ک: ی، سو، آلون، تغییرات اجتماعی و توسعه، محمود حبیبی مظاهری، ص ۱۰۲ و ۱۰۳

۲. ازغندی، علی‌رضا، نا کارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

نمابندگی و کمتر به این موضوع که یک نظام مستقر سیاسی و اجتماعی است توجه می نمودند.^۱

به زعم پژوهشگران نبود توانایی نهادسازی و یا استقراری در نهضت مشروطیت ریشه در شرایط سیاسی ایران در آن دوره داشت و نبود یک ایدئولوژی منسجم و صحیح از آن جمله است. در نتیجه اعتقاد بر این است که با وقوع نهضت مشروطیت طرح نظری خاصی برای علما مطرح شد که گرچه در آن هنگام به مرحله نهادمندی نرسید؛ در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی بعدی به عنوان یک هدف اصلی سرلوحه امور قرار گرفت.

در روند تحولات فکری - فرهنگی دوره ۱۳۳۶-۱۳۵۷، جریان فکری اسلام فقهانی - ولایتی با مساعدت شرایط تاریخی، تحولی در گفتمان سیاسی شیعه به وجود آورد و به این ارزیابی می‌رسد که با ارایه طرح نو، قدرت سیاسی را به دست گیرد و تشکیل حکومت اسلامی بدهد.^۲

حضرت امام خمینی علیه السلام بعد از پیروزی نهضت اسلامی بلافاصله اهتمام زیادی به تاسیس نهادهای حکومتی از خود نشان داد و این گویای توانایی نهادسازی انقلاب ایران می‌باشد. فرمان ایشان مبنی بر تشکیل دولت موقت، تأسیس شورای انقلاب و دستور برپایی همه‌پرسی فروردین ۱۳۵۸ و مثالهای بارز در این زمینه‌اند.

در اولین گام برای شناخت توانایی استقراری انقلاب ایران باید به تشکیل شورای انقلاب اشاره کرد. پایه شورای انقلاب هنگام اقامت امام خمینی علیه السلام در پاریس ریخته شد. در آذرماه ۱۳۵۷ به دستور امام علیه السلام مصاحبه و دعوت شدند... از اقدامات مهم شورای انقلاب مذاکرات با مقامات نظامی، نیروهای مسلح، دیدارهای دیپلماتیک و غیره بود. شورای انقلاب تا تشکیل اولین دوره مجلس در نقش قوه مقننه عمل می‌کرد.^۳

گام دوم برای استقرار نهضت اسلامی همه‌پرسی فروردین ۱۳۵۸ بود که در آن نظام مقدس

۱. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، ص ۳۷۴.

۲. شفیعی فر، محمد، پیشین، ص ۲۶.

۳. نجانی، غلامرضا، تاریخ سی ساله ایران از کودتا تا انقلاب، ج ۲، ص ۱۶.

جمهوری اسلامی جایگزین حکومت منحط سلطنتی گردید، بعد از آن قانون اساسی نوشته شد و حضرت امام علیه السلام بعد از همه‌پرسی آذرماه که با اکثریت قاطع به عنوان مرجعیت رهبری حکومت اسلامی پذیرفته شدند، در مدت کوتاهی به مناسبت‌های مختلف طی فرامین و دستورهای مبنی بر استقرار نهادها و ارگان‌های نظام به این امر مهم مبادرت می‌ورزیدند.^۱

بررسی روند تاریخی نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی نشان می‌دهد انقلاب اسلامی به دلایل متعددی - از جمله: رهبری موثر و قاطع و حاکمیت ایدئولوژی اسلامی به شکل فراگیر بر اذهان مردم و مدیران جامعه و نیز وجود صراحت در اهداف فرا روی انقلاب و انقلابیون - توانست از توانایی نهادسازی و استقرار مناسب برخوردار باشد و در این بُعد نیز نسبت به سایر حرکت‌های تاریخ معاصر - از جمله نهضت مشروطیت - موفق‌تر باشد.

ه) توانایی تشکیلاتی

یکی دیگر از توانایی‌های مؤثر بر میزان تواناییهای استخراجی (تجهیزی) توانایی تشکیلاتی نام دارد. این توانایی گویای کارآمدی نظامها، یا نهضتها در پیروزی بر تفرقه‌های احتمالی اعضا، جلوگیری از هرج و مرج و کثرت‌گرایی بی‌حساب و غلبه بر مسایل کشمکش‌زا است. مهدی ملک زاده معتقد است: نهضت مشروطیت از این توانایی برخوردار نبود و به همین علت در رسیدن به سایر اهداف و مقاصد خود چندان موفق به نظر نمی‌رسد.

مشروطیت نویناد ایران از خطری که گفته شد نتوانست برکنار بماند و از اختلاف و نفاق که بزرگترین دشمن آزادی و موجب پراکندگی حکومت ملی است دوری جوید و دیری نگذشت که دو دستگی و کشمکش میان علمای مشروطه و رهبران ملت و سرداران ملی آغاز گردید و کار به هرج و مرج و خون‌ریزی کشید و صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکر مشروطیت وارد آمد.^۲

از سوی دیگر در عصر مشروطیت، شاهد بیشترین کابینه‌ها بودیم و این خود گویای عدم

۱. همان، ص ۴۷۶.

۲. ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۲، ص ۱۳۲۲.

ثبات سیاسی جامعه ایران در این دوران است. بدین خاطر، دیوان سالاری اداری و سیاسی کشور، به رغم تدوین قوانین مختلفی که جهت گسترش دیوان سالاری اداری از تصویب مجلس گذشت، تغییر اساسی و محتوایی نکرد.^۱

در روند انقلاب اسلامی ایران مناسبت‌های مذهبی و شبکه وسیع روحانیت نقش مهمی برای بالا بردن توانایی تشکیلاتی آن داشتند و ناگفته پیداست که این توانایی تا حد زیادی تابعی از توانایی ایدئولوژیک و توانایی رهبری بالای انقلاب اسلامی بود و اگر نهضت مشروطیت توانایی تشکیلاتی مناسبی نداشت، علت را بدون شک می‌توان در ضعف تواناییهای ایدئولوژیک و رهبری آن جستجو کرد.^۲ یکی از شهروندان فرانسوی که از نزدیک شاهد چنین مسئله‌ای بوده است، در تأیید این مطلب اظهار می‌نماید:

در ایران حزب نیست، اما بک چیزی هست که از حزب قوی تر هست که کار حزب را بدون اسم و رسم انجام می‌دهد آن چیز، کلپ و دفتر ندارد، اما مرکزی دارد که از کلپ و دفتر عمیق‌تر و مؤثرتر عمل می‌کند و آن شبکه مراکز و کلپ‌های اینها مساجد است.^۳

در یک جمع بندی می‌توان گفت عواملی، چون نبود فرهنگ قانون باوری، استمرار روابط شخصی و ملاحظات غیررسمی، ضعف ایدئولوژی و رهبری و نبود عقلانیت، مهم‌ترین عواملی‌اند که به ناکارآمدی تشکیلاتی نهضت مشروطیت انجامیدند؛ اما انقلاب اسلامی ایران به دلایل فراوانی، چون توانایی ایدئولوژیک و رهبری موثر، تقویت فرهنگ قانون باوری و درجه بالای نهادینگی و عقلانیت مبتنی بر اصول، معیارها و ارزشهای اسلامی، از توانایی تشکیلاتی بالایی برخوردار شد و در این زمینه در زمره حرکت‌های موفق تاریخ معاصر ایران قرار می‌گیرد.

و- توانایی هماهنگی (تداوم ارزشها)

۱. همان، ص ۱۳۳۰.

۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، انقلاب یا بعثت جدید، ص ۶۲.

۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، انقلاب و دفاع مقدس، ص ۳۰۱-۳۰۴.

یکی دیگر از تواناییهایی که در زیرمجموعه تواناییهای استخراجی (تجهیزی) قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است، توانایی هماهنگی (تداوم ارزشها) است. این توانایی بر اساس نگرش نظام‌مند، گویای میزان هماهنگی ارزشهای مورد وفاق یک جامعه با واقعیت‌های محیطی در راستای ایجاد تعادل برای نظام اجتماعی یا نهضت، از نقطه شکل‌گیری تا مرحله پیروزی و استقرار، دارد. نکته مهم درباره توانایی هماهنگی این است که تداوم ارزشها و حفظ معیارها در تمامی مقاطع حرکت یا کلیه سطوح و ابعاد نظام بسیار ضروری شمرده می‌شود. آیت الله هاشمی رفسنجانی برای تبیین این مسئله می‌گوید:

ما با معیاری که مبارزه را شروع کرده‌ایم با همان معیار باید ادامه بدهیم و گول تبلیغات روشن فکر مآب‌ها و چپ نماها و چپی‌هایی که انقلاب اسلامی را به نفع خودشان نمی‌بینند نخوریم. در مشروطه علمای ماء، مراجع ما و وعاظ ما پیش قدم شدند و قدرت جهنمی قاجاریه را شکستند و مظفرالدین شاه را مجبور کردند که فرمان مشروطه را امضا کند و به مردم مجلس شورای ملی بدهند. مجلسی که تشکیل شد برای این که همه در این مجلس شرکت کنند افراد ناباب را هم راه داده‌اند.^۱

علی اصغر شمیم هم در راستای این مطلب نوشته است:

رهبران انقلاب و گردانندگان نخستین دوره مقننه ایران در چنان شرایطی مسامحه را در مورد پاره‌ای از اصول مسلم به اصرار و پافشاری ترجیح داده و با علم و وقوف کامل بر لزوم گنجاندن مواد مربوط به آزادی‌ها و حقوق افراد، برای نجات انقلاب و در دست گرفتن ابتکار عمل با سرعت و عجله قانون اساسی را تدوین کرده و به تصویب رساندند.^۲

پس می‌توان گفت آنچه به لزوم توانایی هماهنگی معنی می‌بخشد، نیاز نظام‌های در حال استقرار و نهضت‌های سیاسی - اجتماعی به ایجاد وفاق میان ارزشهای مورد نظر و شرایط فرا روی آنها است. گذار از باورهای منسوخ جامعه و رسیدن به مبنایی فکری - جایگزین باورها و نظم منسوخ - به این ضرورت می‌افزاید. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد نهضت مشروطیت

۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، پیشین، ص ۲۳-۲۵.

۲. شمیم، علی‌اصغر، پیشین.

از چنین توانایی در حد مطلوب برخوردار نبود.

انقلاب مشروطیت به عنوان یک نقطه عطف خیزشی بود با موفقیت سنجی کم، سرانجام نتوانست کامیابی لازم را به دست آورد. زیرا تفکر انقلاب و ایدئولوژی آن باید از دو گذرگاه خطرناک عبور می‌کرد. یکی آن که فرهنگ سنتی حاکم را تغییر دهد و دیگر آن که نظام سیاسی فردی و غیردموکراتیک را دگرگون سازد. با این همه انقلاب مشروطه علی‌رغم این که موفق شد در مراحل اولیه مسافتی از این دو گذرگاه خطرناک را طی نماید، ولی پس از یک دهه همین موانع توانستند آن را از رفتن باز بدارند. استبداد در شکل نوینی بازگشت و فرهنگ سنتی نگذاشت مکانیزم‌ها و الزامات اصیل مشروطیت تحقق یابد. زیرا عدم تمایل فرهنگ عمومی به تغییرات بنیادی در برابر آن مقاومت‌های جدی نشان داد. مهم‌ترین انگیزه این مقاومت فقدان تجربه مشارکت در تاریخ معاصر بود، حاکمیت‌های طولانی استبداد در فرهنگ سنتی امکان مشارکت سیاسی را از مردم سلب کرده بود.^۱

در نتیجه انقلاب اسلامی با ملاحظه تجربه نهضت مشروطیت اهتمام قابل توجهی نسبت به افزایش دادن تواناییهای فکری و فرهنگی خود در قالب تواناییهای هماهنگی نمود و مطرح‌شدن مبحث «انقلاب فرهنگی» توسط حضرت امام خمینی ره در حقیقت کوششی برای تضمین کردن چنین توانایی در آینده انقلاب اسلامی بود. هماهنگی در عرصه نظام ارزشی و فرهنگی حاکم بر جامعه، در عملکرد ساختها و نهادهای موجود انعکاس می‌یابد و نبود توانایی هماهنگی به گسیختگی اجتماعی و سیاسی منتهی می‌شود. عده‌ای از نویسندگان در این رابطه می‌گویند:

اگر در سراسر کشور در فعالیت‌های انقلابی و نیز تصمیم‌گیری‌های عمده هماهنگی به وجود بیاید تا هرکس به میل و سلیقه خودش حرکت نکند، بسیاری از اختلافات که می‌تواند لطمه زننده باشد از بین می‌رود و بر پایه نگرش سیستمی تعادل که شرط بقا است، حفظ خواهد شد.^۲

علاوه بر این موارد، عواملی، چون «نبودن فاصله میان وعده‌های داده شده و عملکرد

۱. تبریز نیا، حسین، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲. مجموعه نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران (امروز و فردا)، ص ۱۸۴.

بخشهای مختلف نظام، انطباق قانون اساسی با خواسته‌های مردم، جلوگیری از ورود اندیشه‌های مخرب به درون نظام، لزوم انقلاب فرهنگی و تاکید بر حفظ ارزشها در کلیه سطوح نظام و ممانعت از ورود ارزشهای ناهماهنگ (ضد ارزشها) به درون جامعه» در میزان تواناییهای استخراجی مؤثرند و چنان که از بررسیهای تاریخی مشخص می‌شود، انقلاب اسلامی ایران در اغلب زمینه‌ها از چنین عواملی برخوردار بوده است و به همین علت در زمره حرکت‌های موفق تاریخ معاصر ایران جای می‌گیرد.

نتیجه و جمع‌بندی مطالب

چنان که در بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر تواناییهای استخراجی (تجهیزی) نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی ملاحظه شد، عواملی چون توانایی ایدئولوژیک، رهبری، بسیج نمودن، نهادسازی (استقراری)، تشکیلاتی و هماهنگی (تداوم ارزشها) در این راستا قابل بررسی است.

در زمینه توانایی ایدئولوژیک می‌توان گفت در شرایطی که نهضت مشروطیت با نبود ایدئولوژی ناب، وجود قانون اساسی مبتنی بر ناسیونالیسم به شیوه غربی، احزاب سیاسی نه چندان نهادینه شده (افراطی) و در نتیجه ابهام در مبنای حاکمیت پیشنهادی برای وضع جدید روبه‌رو بود، انقلاب اسلامی با برخورداری از ایدئولوژی اسلامی، دوری قاطع از التقاط، داشتن قانون اساسی با مبنای اسلامی و از همه مهم‌تر تاکید بر حاکمیت و لزوم حکومت اسلامی، از توانایی ایدئولوژیک قابل قبولی برخوردار شد.

در زمینه توانایی رهبری، با توجه به رهبری مؤثر حضرت امام خمینی علیه السلام، وجود اتحاد در صفوف رهبران انقلاب، طرد عوامل اختلاف‌زا و جهت‌گیری نهایی بر محور اسلامی - برخلاف نهضت مشروطیت که مسایلی چون ضعف در هدایت و رهبری حرکت، ناپیوستگی میان رهبران و پیروان و نبود قدرت تصمیم‌گیری قاطع روبه‌رو بود - از نقاط قوت و برجستگی زیادی بهره‌مند شد.

مشارکت عمیق و گسترده عموم مردم از نقطه شکل‌گیری نهضت تا پیروزی انقلاب، با

توجه به توانمندی در بعد رهبری و به عبارت دیگر «فراطبقاتی بودن» انقلاب اسلامی، آن را در عرصه توانایی بسیج کردن از نهضت مشروطیت - با ویژگی‌هایی، چون مشارکت محدود و سطحی، شهری بودن و رخنه خرده بورژوازی - متمایز می‌کند.

به لحاظ برخورداری از توانایی استقراری قابل قبول، با توجه به موفقیت در حذف کامل نهادهای سنتی چون نظام سلطنتی، ایجاد نهادهای منحصر به فرد و جدید در قالب حکومت اسلامی و تأسیس ارگانهای انقلابی کارآمد در زمانی بسیار کوتاه از نهضت مشروطیت - با ناتوانی در ایجاد دولت مدرن، ضعف آشکار در از بین بردن نهادهای سنتی، ناکارآمدی نخبگان سیاسی پس از پیروزی، قانون اساسی غیرجامع و ناتوانی در ایجاد ارگانها و نهادهای لازم به شکل سریع روبه رو بوده - متمایز می‌باشد.

توانایی تشکیلاتی نهضت مشروطیت نیز به علت شکل‌گیری احزاب سیاسی ناهماهنگ، کابینه‌های موقت و ناپایدار و تداوم روابط شخصی به جای روابط و مناسبات مبتنی بر قانون چندان مطلوب نبود؛ اما انقلاب اسلامی به خاطر وجود برترین مفهوم برای ایجاد تشکیلات منسجم و کارآمد میان رهبران و عامه مردم به نام «مساجد» و استفاده از شبکه ارتباطی قوی میان مبارزان در سراسر کشور در این عرصه در وضعیتی قابل قبول می‌باشد.

سرانجام انقلاب اسلامی با عنایت به لزوم انقلاب فرهنگی برای انطباق با ارزشهای اسلامی در کلیه سطوح جامعه، تأکید بر حفظ ارزشها در داخل - بعد از مرحله پیروزی - و مخالفت با ورود ارزشهای ناهماهنگ به درون جامعه و لزوم اتحاد استراتژیهای مناسب در این راستا، نسبت به نهضت مشروطیت که با مسایلی، چون فاصله میان وعده‌های داده شده و عملکردها، انطباق نداشتن قانون اساسی با خواسته‌های عموم مردم، مسامحه در ورود نگرشها و افراد ناهماهنگ با ارزشهای جامعه و رخنه آنان به درون مجلس و ساختار کلی قدرت سیاسی، متفاوت و در حد مطلوبی است.

جدول پایانی گویای مؤلفه‌های مؤثر بر تواناییهای استخراجی (تجهیزی) نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی و خلاصه مطالب اظهار شده در این نوشتار است و توجه به آن برای درک بهتر و عمیق‌تر موضوع مورد بحث اهمیت دارد.

انقلاب اسلامی	<p>وجود ایدئولوژی اسلامی، پرهیز از الفظاظ، قانون اساسی با مبنای اسلامی، تاکید بر حاکمیت و حکومت اسلامی</p>	مؤلفه ها
<p>وجود ایدئولوژی اسلام، پرهیز از الفظاظ، قانون اساسی با مبنای اسلامی، تاکید بر حاکمیت و حکومت اسلامی</p>	<p>تنبود ایدئولوژی ناب، قانون اساسی بر اساس ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم، احزاب سیاسی افراطی، انهام در مبنای حاکمیت</p>	توانایی ایدئولوژیک
<p>رهبری مؤثر امام، اتحاد در صفوف رهبران انقلاب، طرد عوامل اختلاف زاء، ارائه مفاهیم حول محور اسلام</p>	<p>ضعف در هدایت و رهبری، بی‌اعتمادی مردم، شکاف میان رهبران در مخالف جمعی با مشروطیت و موافقت برخی با آن، وجود زمینه جذب برای عوامل تفرقه زا</p>	توانایی رهبری
<p>مشارکت عمیق و گسترده، فرایقانی بودن انقلاب.</p>	<p>مشارکت محدود و سطحی، شهری و به اصطلاح خرد بزرگوازی بودن نهضت و نفوذ نکردن آن در روستاها</p>	توانایی بسیج کردن
<p>حذف کامل نهادهای سنتی چون سلطنت، ایجاد نهادهای منحصر به فرد و جدید در قالب حکومت اسلامی، تأسیس سریع ارگانهای انقلابی</p>	<p>نا توانی در ایجاد دولت مدرن، ضعف در از بین بردن نهادهای سنتی چون سلطنت، نا کار آمدی نخبگان سیاسی در ایجاد نظم مطلوب، قانون اساسی غیر جامع، ایجاد نکردن سریع ارگانها و نهادهای لازم</p>	توانایی استقراری (نهاد سازی)
<p>وجود برترین مفهوم برای ایجاد تشکیلات منسجم و کارآمد میان رهبران و عامه مردم به نام مساجد و نیز استفاده از شبکه ارتباطی قوی میان مبارزان در سراسر کشور</p>	<p>احزاب سیاسی ناهماهنگ، کابینه‌های موقت و ناپایدار، استمرار روابط شخصی به جای قانون</p>	توانایی تشکیلاتی
<p>نروم انقلاب فرهنگی و تلاش برای انطباق انقلاب بر ارزشهای اساسی آن در کلیه سطوح، تاکید بر حفظ ارزشها در داخل بعد از پیروزی، مخالفت با ورود ارزشهای ناهماهنگ به درون جامعه به هر شکل ممکن.</p>	<p>فاصله میان وعده‌ها و عملکردها، انطباق نداشتن قانون اساسی با خواسته‌های مردم، مسامحه در ورود نگرشها و افراد ناهماهنگ با ارزشهای جامعه و خواسته نهضت و رخنه آنها در مجلس و ساختار قدرت</p>	توانایی هماهنگی

کتابشناسی

- آر. کدی، نکى، ریشه‌های انقلاب ایران، عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر قلم، ۱۳۶۶.
- احمدوند، شجاع، فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات سمینار درس انقلاب اسلامی، ج ۲، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- ازغندی، علی‌رضا، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۶.
- افلاطون، جمهور، فواد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.
- الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۶۹.
- بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- پرهام، سیروس، انقلاب اسلامی و مبانی رهبری امام خمینی رضی الله عنه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- تبریزیا، حسین، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران: نشر بین‌المللی، ۱۳۷۱.
- جهت مطالعه بیشتر ر. ک: ی، سو، آلوین، تغییرات اجتماعی و توسعه، محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- سیف‌زاده، سیدحسین، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.
- شفیع‌فر، محمد، تحولات فکری ایران و اندیشه‌های انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات سمینار درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
- فارسی، جلال‌الدین، فلسفه انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مجموعه نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران (امروز و فردا)، قم، دفتر مرکزی مکتب اسلام، ۱۳۵۹.
- مجموعه نویسندگان، دانش سیاسی و اجتماعی، تهران: انتشارات عقیدتی - سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
- محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- مخبر، عباس، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.
- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.

۲۰۵ □ بررسی تطبیقی مؤلفه‌های اثرگذار بر تواناییهای استخراجی... □

- مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۲، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۳.

- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سی ساله ایران از کودتا تا انقلاب، ج ۲، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.

- هاشمی رفسنجانی، اکبر، انقلاب و دفاع مقدس، تهران، انتشارات بنیاد پانزده خرداد، ۱۳۷۶.

- هاشمی رفسنجانی، اکبر، انقلاب یا بعثت جدید، قم، انتشارات یاسر، ۱۳۵۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی